

# پژوهش های شرق شناسان درباره امام حسن (علیه السلام)

## نقد و بررسی کتاب مذهب شیعه دونالدسن

۲۷۹-۲۵۹

چکیده: کتاب مذهب شیعه یا عقیده شیعه اثر دوایت دونالدسن، از نخستین پژوهش های شرق شناسی در نیمه اول قرن بیستم است که به بحث درباره ائمه اطهار (ع) و مطالعه درباره جغرافیای تاریخی مرقد آنان اختصاص دارد. مؤلف در فصل ششم این کتاب درباره امام حسن (ع) سخن گفته و شرحی تاریخی از رویدادهای عصر و حیاتش به دست داده است. وی اطلاعات و اخبار خود را از برخی از منابع معتبر و منابع قصصی نامعتبر اخذ کرده و در این فصل برداشت ها و تصورات کلی خود را درباره شخصیت امام حسن (ع) و زندگی و سیره ایشان و شرایط آن عرضه می کند که به دور از حقیقت است. وی گرفتار خطاهای بزرگی شده و مجموعه ای از دروغ ها و اخبار ساختگی را به این شخصیت بزرگ نسبت داده که از نظر محتوا و سند عاری از حقیقت است. ناقد در این مقاله کوشیده است بر پایه روایت ها و اخبار متقن به نقد و بررسی این دروغ ها و اخبار ساختگی پرداخته و اعتبار منابعی را که وی بدان ها استناد جسته است، رد کند.

کلیدواژه ها: شرق شناسان، امام حسن (ع)، کتاب مذهب شیعه، کتاب عقیده شیعه، نقد کتاب، بررسی کتاب، بریتانیا، شرق شناسی، ائمه اطهار (ع)، جغرافیای تاریخی، مرقد ائمه اطهار (ع)، اخبار ساختگی، دوایت دونالدسن، پژوهش های شرق شناسی.

«دراسات المستشرقین عن الإمام الحسن (علیه السلام): دونالدسن أنموذجاً»، در: مجله مرکز دراسات الكوفة، العدد الثلاثون (۲۰۱۳)، ص ۱۵۴-۱۷۴؛ تجدید چاپ در: مجله دراسات استشرافية، العدد السابع (ربیع ۲۰۱۶م)، ص ۷۱-۹۴.

این کتاب در سال ۱۳۹۵ با این مشخصات در ایران منتشر شده است:  
مذهب شیعه: تاریخ اسلام در ایران و عراق، ۲ ج، تألیف دوایت دونالدسن، ترجمه عباس احمدوند؛ ویراستار: محمد باقر انصاری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

Dwight M. Donaldson. The Shi'ite Religion: A History of Islam in Persia and Irak. London: Luzac & Company. 1933, XXVI+262pp

**Orientalists' Research on Imam Hassan (as)  
Review of Donaldson's Work on Shiite Islam**  
Ali Ali Mohammadi

**Abstract:** The book *Shiite Religion or Shiite Belief* by Dwight Donaldson is one of the first orientalist researches in the first half of the twentieth century, which is dedicated to the discussion of the Imams (AS) and the study of the historical geography of their shrines. In the sixth chapter of this book, the author has spoken about Imam Hassan (AS) and has given a historical description of the events of his time and life. He gathers some of his information from reliable sources and some from unreliable narrative sources, then in chapter 6, he presents his general perceptions and ideas about the character of Imam Hassan (AS) and his life and manners and his conditions, which is far from the truth. He made big mistakes and attributed many lies and fabricated information to this great character, which is untrue in terms of content and document. In this article, the critic has tried to review these lies and fabricated data based on reliable narrations and facts, and to reject the validity of the sources to which he has referred.

**Keyword:** Orientalists, Imam Hassan (AS), Book of Shiite Religion, Book of Shiite Belief, Book Criticism, Book Review, Britain, Oriental Studies, Imams (AS), Historical Geography, Shrine of Imams (AS), Fake Information, Dwight Donaldson, Orientalism.

دراسات المستشرقين حول الإمام الحسن عليه السلام  
نقد ومراجعة كتاب مذهب الشيعة لدونالدسون

علي علي محمدي

الخلاصة: يعدّ كتاب مذهب الشيعة - أو عقيدة الشيعة - من تأليف دوايت دونالدسون واحداً من أوائل بحوث الاستشراق في النصف الأول من القرن العشرين والتي تختصّ بالبحث حول الأئمة الأطهار عليهم السلام ودراسة الجوانب الجغرافية التاريخية لمراقدهم.

يتحدّث المؤلف في الفصل السادس من هذا الكتاب عن الإمام الحسن عليه السلام ويقدم شرحاً تاريخياً عن وقائع عصره وحياته. وقد استقى المؤلف معلوماته وأخباره عن بعض المصادر المعتبرة وغيرها من المنابع القصصية غير المعتبرة، ليقدم من خلال ذلك كله انطباعاته وتصوراته العامة حول شخصية الإمام الحسن عليه السلام وحياته وسيرته والظروف التي عاش فيها، وهي انطباعات لا تمتّ إلى الحقيقة بصلة.

وقد ابتلي المؤلف بارتكابه الأخطاء الفاحشة حين نسب مجموعة من الأكاذيب والأخبار المختلفة إلى هذا الإمام العظيم، وهي أخبار بعيدة عن الحقيقة سنداً ومضموناً.

يسعى الناقد في المقال الحالي إلى نقد ومناقشة هذه الأكاذيب والأخبار المختلفة من خلال الرجوع إلى الروايات والأخبار الموثوقة، مع تفنيد اعتبار المصادر التي استند المؤلف عليها.

المفردات الأساسية: المستشرقون، الإمام الحسن عليه السلام، كتاب مذهب الشيعة، كتاب عقيدة الشيعة، نقد الكتاب، مراجعة الكتاب، بريطانيا، الاستشراق، الأئمة الأطهار عليهم السلام، الجغرافيا التاريخية، مراقدهم الأطهار عليهم السلام، الأخبار المختلفة، دوايت دونالدسون، الدراسات الاستشراقية.

## مقدمه

کتاب مذهب شیعه یا عقیده شیعه<sup>۱</sup> اثر دوایت م. دونالدسن،<sup>۲</sup> شرق‌شناس بریتانیایی از نخستین پژوهش‌های شرق‌شناختی در نیمه اول قرن بیستم است که به بحث درباره امامان دوازده‌گانه (ع) و مطالعه درباره جغرافیای تاریخی مراقد آنان اختصاص دارد. یادداشت‌های مؤلف در این پژوهش نتیجه مشاهدات مستقیم وی از این مراقد است که بعد از سفر به این اماکن مقدس و دیدار از آنها طی سفرهای شرق‌شناسان به سرزمین‌های اسلامی، به ثبت آنها پرداخته است. می‌توان این یادداشت‌ها را حائز اهمیت بسیاری دانست؛ زیرا تصویری توصیفی از شرایطی به دست می‌دهد که این مراقد در زمان نگارش این پژوهش داشته‌اند؛ چراکه مؤلف توانسته است حدود ۱۶ سال در مشهد امام رضا (ع) زندگی کند و این پژوهش را چنان‌که در مقدمه کتاب تاریخ آن را ثبت کرده است، در حدود سال ۱۹۳۳ م به پایان برد. از این رو وی پژوهشی از نزدیک و جامع‌تر نسبت به دیگر مراقد داشته است. مؤلف در فصل‌های پایانی کتاب به تاریخ تشیع در قرن چهارم هجری پرداخته و به طور مشخص دولت آل بویه را بررسی کرده، سپس سرآغاز گردآوری احادیث را میان شیعیان ذکر کرده است. آن‌گاه به صورت گذرا به تاریخ علوم دینی و اجتهاد از نظر شیعه امامیه از سقوط دولت آل بویه تا عصر صفویان اشاره کرده است. در ادامه درباره برخی از باورهای شیعه امامیه همچون عصمت و شفاعت سخن به میان آورده و پس از آن درباره برخی از فرقه‌های منتسب به شیعه بحث کرده و به طور خاص از اسماعیلیه، بابیت و بهائیت نام برده است.

دونالدسن بخشی از این پژوهش را به عنوان رساله دکتری در نظر گرفته بود. خواننده متوجه می‌شود که این پژوهش سلیس و روان نوشته شده است. هنگامی که مؤلف آرای مورد اختلاف را ذکر می‌کند، می‌کوشد به منابع تاریخی و کتاب‌های تراجم معتبر رجوع کند، اما وی این معادله را با استفاده بیش از حد از منابع قصصی و داستانی و آثار نامعتبر متأخر شیعه و سنی به هم می‌زند؛ به گونه‌ای که کارش به تباهی کشیده و موجب می‌شود گرفتار لغزش‌ها و خیال‌بافی‌های بسیار شود. به طور اجمالی این کتاب، پژوهشی توصیفی از روزگار هرامام بوده و جنبه سیاسی و مواضع هر یک از امامان را درباره رویدادهای عصرشان ذکر کرده است. مؤلف چنان‌که در مقدمه تصریح کرده این پژوهش را با هدف پرکردن خلأیی که در اطلاعات غرب و غربیان درباره شیعیان و تشیع می‌دید تألیف کرده است؛ به طوری که از ادوارد براون<sup>۳</sup> شرق‌شناس بریتانیایی نقل می‌کند که ما همچنان نیازمند کتابی جامع و معتبر درباره عقیده شیعه هستیم، حال به هر زبان غربی که باشد.

این جامعیتی که پژوهش حاضر بدان شهره شده و کیفیت علمی‌ای که زیر این جامعیت طبقه‌بندی

1. The Shiite Religion.  
2. Dwight M. Donaldson.  
3. Edward Granville Browne.

شده به دو دلیل است: ۱. این پژوهش رساله دکتری مؤلف بوده است. ۲. در دوره‌ای که بریتانیا سلطه استعماری خود را بر مرقده شیعی در عراق و ایران گسترش داده بود، یعنی ربع اول قرن گذشته، تألیف شده و این امر موجب شده که این کشور به شناخت مذهب امامیه که اغلب پیروانش در این دو کشور ساکن‌اند نیاز داشته باشد. همین امر ما را به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌کند که شاید این پژوهش از دو جنبه علمی و سیاسی تألیف شده باشد تا امکان تعامل با این مشرب فکری اسلامی و شناخت آرمان‌های باورمندان این مذهب اسلامی برای بریتانیا امکان‌پذیر باشد. نکته‌ای که این احتمال را افزایش می‌دهد این است که دونالد دوسن (شرق‌شناس) مبلغ مسیحی بود و با کنن سل<sup>۴</sup> مبلغ مسیحی آمریکایی و ساموئل زویمر<sup>۵</sup> سردبیر مجله دنیای اسلام<sup>۶</sup> همکاری داشت.

دونالدسن در فصل ششم کتاب مذهب شیعه درباره امام حسن (ع) سخن گفته و شرحی تاریخی از رویدادهای عصر و حیاتش به دست داده است. وی اطلاعات و اخبار خود را از برخی از منابع معتبر و منابع قصصی نامعتبر اخذ کرده است، اما برداشت‌ها و تصورات کلی خود را درباره شخصیت امام حسن (ع) و زندگی و سیره ایشان و شرایط آن نیز پنهان نکرده است؛ زیرا گرفتار خطاهای بزرگی شده و مجموعه‌ای از دروغ‌ها و اخبار ساختگی را به این شخصیت بزرگ نسبت داده که با توطئه قلم‌های حکومت [آن روزگار] نوشته شده و برخی از آنها به میراث شیعه نیز راه یافته و وجود این دروغ‌ها را در منابع شیعی دلیل بردستی سخن خود ذکر کرده است. چنان‌که روشن خواهیم کرد و بر تمام منابع عمومی و خاص درنگ خواهیم کرد، آنها چه از نظر محتوا چه از نظر سند عاری از حقیقت است و خواهیم دید که با شخصیت بزرگ و مقام رفیع امام حسن (ع) در تعارض است.

۱. موضوع و مسئله مهمی که دونالدسن در صفحات کتاب خود کوشیده درباره امام حسن (ع) بر آن تأکید کند، صلاحیت و کفایت نداشتن ایشان برای خلافت و رهبری امت اسلامی است. این مسئله در لابه لای بحث او هویدا است. وی پس از اینکه برخی از روایت‌ها را که بر شباهت ظاهری امام (ع) به جدش حضرت محمد (ص) دلالت می‌کند، بیان می‌کند، به عاملی که او را بدین باور [یعنی عدم صلاحیت وی برای رهبری] واداشته تصریح کرده و گفته است:

اما هر چه قدر هم که حسن (ع) شباهت ظاهری با پیامبر اسلام (ص) باشد، اسناد تاریخی نشان می‌دهد که قدرت معنوی و شجاعت و خویشتن‌داری و توانایی فکری در او برای رهبری ملتش اندک بوده است...<sup>۷</sup>

وی این اطلاعات را چنان‌که در تکمله سخن پیشین خود اشاره می‌کند، از سلف خود، هنری

4. Canon Sell.

5. Samuel Zwemer.

6. The Moslem World.

۷. دونالدسن، عقیده الشیعه، ص ۸۹.

لامنس<sup>۸</sup> شرق شناس بلژیکی و پدر روحانی یسوعی که نسبت به اسلام و ائمه معصومین (ع) کینه ورزی داشت گرفته بود.<sup>۹</sup> ما در شخصیت این فرد درنگی کردیم و هنگام تحلیل منابع دونالدسن در پایان این مقاله آراء برخی از ناقدان را درباره نوشته های وی بیان خواهیم کرد، اما در پاسخ به این دروغ می گوییم که در قدرتمندی شخصیت و استواری مواضع سیاسی امام حسن مجتبی (ع) هنگام تحلیل مواجهه ایشان با معاویه بن ابی سفیان درنگ می کنیم و خواهیم دید که چگونه وی با صلح خود با معاویه، پس از اینکه شرایط او را به این کار مجبور کرد، دروغ گویی وی و عدم صلاحیت معاویه را برای عهده دار شدن خلافت مسلمانان برملا کرد. بنابراین این دیدگاه دونالدسن به دور از آزاداندیشی بوده و او دلیل را با تمام شرایطش نپذیرفته است؛ برخلاف لامنس که با انگیزه های کینه توزی و دشمنی با اسلام سخن گفته است.

مسئله صلح امام حسن (ع) با معاویه از مهم ترین مسائلی است که شیعه بدان گرفتار شد؛ زیرا بزرگان شیعه این امر را نپذیرفتند و امام حسن (ع) را سرزنش و نکوهش کردند. برخی حتی به او تهمت و افترا زدند. از این رو پژوهشگر باید بر تمام زوایای این مسئله احاطه داشته باشد تا دیدگاهش به حقیقت نزدیک و از خطا دور باشد. به ویژه آنکه این کار را شخصیت مهمی به انجام رسانده است که جایگاه رفیعی در اسلام دارد. به خصوص اگر پژوهشگر بداند که او از اهل بیت (ع) است؛ کسانی که ابزارهایی را که اسلام محکوم کرده است، دستاویزی برای رسیدن به حکومت قرار نمی دادند. در تحلیل شرایط صلح امام حسن (ع) به بزرگی شخصیت و استواری مواضع وی پی خواهیم برد. در ادامه برخی از عوامل مهمی که ایشان را به صلح با معاویه واداشت بیان می شود.

یکی از بزرگ ترین مشکلاتی که هر حکومتی که با ناتوانی و ضعف دست و پنجه نرم می کند مواجه است، ناهماهنگی ارکان سپاه و سرپیچی کردن سربازان از فرماندهی کل است. سپاه امام حسن (ع) به این بیماری سخت دچار شده بود، برخلاف سپاه معاویه که به سبب جهل و نادانی به حکومت وی وفادار بود. امویان و خوارج نیز که نمی خواستند دولت هاشمی دیگر توان و قدرتی داشته باشد، به سپاه امام حسن (ع) نفوذ کردند.

امویان فرزندان خانواده برجسته و صاحب خاندان های بزرگی بودند که چیزی جز رهبری دنیوی و پیروزی و استیلا بر دیگران از طریق پول و قدرت اهمیتی برایشان نداشت. افرادی چون عمر بن سعد، قیس بن اشعث، عمرو بن حرث، حجاز بن ابجر و عمرو بن حجاج و برخی از دیده وران و جاسوسانی که معاویه در سپاه امام حسن (ع) گماشته بود و در حقیقت مهم ترین عناصر رعب افکنی در این سپاه بودند. اینان وعده قتل امام یا اسیر و تسلیم کردن ایشان را به معاویه دادند و اخبار دروغ و رعب افکنی

8. Henri Lammens.

۹. لامنس، دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۴۰۰-۴۰۳، مدخل «الحسن بن علی بن ابی طالب».

درباره قدرت معاویه و ضعف امام حسن (ع) میان سپاهیان پخش می‌کردند.

اما خوارج خود را به خروج بر نظام موجود و وجوب خروج بر ولی امر مسلمین، اگر به آنان وابسته نباشد، ملزم کرده بودند. این امر از نظر آنان جهادی دینی بود که قربانی شدن در راه آن واجب بود. این اصول به طور وسیع میان سپاه عراق انتشار یافته بود و بر ذهن و عقل ساده لوحان و زودباوران سایه افکنده بود. طرفداران خوارج سخت‌ترین دشمنی و کینه‌توزی را در دل نسبت به بنی‌هاشم و گروه آنان داشتند و در جنگ نهروان به سخت‌ترین شکل به جنگ و انتقام جویی پرداختند، به طوری که نزدیک بود به قتل جملگی آنان بینجامد. این گروه کینه و خشم خود را با کشتن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) آشکار کردند و آن حضرت را در حالی که در محراب در سجده بود به قتل رساندند. همچنین در صدد قتل امام حسن (ع) برآمدند و نیزه‌ای به ران پای ایشان زدند و حکم به تکفیرش دادند. تصمیم امام در رویاری با این بدنامان این بود که به سپاه خود دستور داد آنان را دستگیر کنند. نامه‌ای نیز به معاویه نوشت و آگاهی خود را از آنان به وی اعلام کرد و از سرانجام این کار به وی هشدار داد. همچنین بیان داشت که آماده و مهیای جنگ با او شود.<sup>۱۰</sup> امام در سلسله نامه‌نگاری‌های خود با معاویه بر حقانیت خود برای خلافت و دروغین بودن ادعای معاویه تأکید و او را به روی گردانی از ادعایش دعوت کرده بود.

سپاهیان کوفه به دلیل جنگ‌های پیاپی که در زمان امام علی (ع) به آنان تحمیل شد، خسته و ناتوان شده بودند. پیش از آن نیز تلاش‌های خود را صرف فتوحات اسلامی کرده بودند. در آن زمان این جنگ‌های پیاپی جمع انبوهی از آنها را از بین برده بود. به طوری که موجب شده بود از جنگ بیزار شوند و صلح را ترجیح دهند و به سلامت و عافیت خود علاقمند شوند. دلیل دیگر این امر غنای کمی بود که در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان به دست آورده بودند؛<sup>۱۱</sup> زیرا با جنگجویان دشمن همانند کافران رفتار نشد. به طوری که امام علی (ع) بعد از جنگ جمل فرمان داد غنائمی را که در اردوگاه بود، جمع‌آوری کنند و به مسجد بصره بفرستند تا هر کس که شیء خود را می‌شناسد بیاید و بگیرد.<sup>۱۲</sup>

از دیگر عواملی که موجب ازهم‌پاشیدگی سپاه عراق شد، فقدان شخصیت‌های هوشیار و آگاه از بزرگان شیعه بود که به تقدم و اولویت اهل بیت (ع) برای جانشینی پیامبر اسلام (ص) باور داشته باشند و سپاهیان عراق نیز قلباً به این شخصیت‌ها وفادار باشند و ایشان را ارج نهند. این افراد صاحب قدرت بسیاری در راه اندازی و سازمان‌دهی جنبش نظامی و هدایت سپاه به سوی اهداف والا بودند؛ افرادی چون عمار بن یاسر، هاشم بن عتبة مرقال فرمانده قهرمان، ثابت بن قیس و خزیمه بن ثابت معروف به ذوالشهادتین که در گرویدن به اسلام و ایمان آوردن بردیگران تقدم داشتند و قربانی جنگ صفین شدند و به شهادت رسیدند؛ جنگی که آزمندان و منحرفان از اسلام علیه جانشین پیامبر (ص)

۱۰. ابوالفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۶۲-۶۳.

۱۱. همان، ص ۶۳-۷۰.

۱۲. الطبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۴، ص ۵۳۸-۵۳۹.

به راه انداختند و در نتیجه سپاه عراق با خلأ بزرگی روبه‌رو و سرانجام گرفتار منافقان و خوارج شد. اگر چنین افراد صالح و نیکوکاری در سپاه امام حسن (ع) بودند، قطعاً ایشان به صلح با دشمنان خود متوسل نمی‌شد.

چیزی که مسئله را بغرنج و پیچیده کرد، خیانت و بدعهدی عبیدالله بن عباس فرمانده کل نیروهای پیش‌قراول سپاه بود که در نتیجه اغواگری‌های معاویه به این کار دست زد. معاویه به بزرگان، اشراف و زعمای اقوام بذل و بخشش کرد و آنان نیز به امام خیانت کردند و در دل شب از اردوگاه آن حضرت خارج شدند و قبایل خود را از یاری کردن او بازداشتند و آنان را از عاقبتشان زیربیرق امام حسن (ع) به وحشت انداختند.<sup>۱۳</sup> بدین ترتیب باب خیانت و بدعهدی گشوده و راه برای پیوستن به معاویه مهیا شد و با خیانت آنان به امام حسن (ع) انسان‌های ضعیف‌النفس عرصه گسترده‌ای را برای بدعهدی به امام یافتند؛ زیرا خیانت عبیدالله بن عباس را که پسرعمو و نزدیک‌ترین فرد به او بود دستاویزی برای این کار خود قرار دادند.

قدرت شایعاتی که جاسوسان معاویه و امویان در میان سپاه امام حسن (ع) پخش می‌کردند، بیشترین تأثیر را در آشفتگی آن داشت. خبر کشته شدن قیس بن سعد بن عباده جانشین عبیدالله بن عباس میان سپاه پخش شد. نیز شایع شد که وی با معاویه صلح کرده است. ویرانگرترین شایعه زمانی بود که هیئتی از سوی معاویه برای مذاکره اعزام شد و این هیئت میان سپاه شایعه کرد که امام (ع) به درخواست صلح پاسخ مثبت داده است.<sup>۱۴</sup> اگر انسان‌های با بصیرتی همچون کسانی که در سپاه امام علی (ع) بودند، در سپاه امام حسن (ع) نیز حضور داشتند و در مقابل این شایعات ایستادگی می‌کردند، قطعاً امام به صلح با معاویه تن نمی‌داد.

مسئله دیگری که امام را به صلح واداشت، قدرت دشمن و موضع‌گیری پایدار آنان همسوبا معاویه بود؛ زیرا وی تمام تلاش‌های مادی و معنوی خود را برای اصلاح و تقویت سپاهش به منظور نزدیک شدن شام به روم به کار می‌بست. معاویه با روم پیمان صلح امضا کرد و مال و ثروتی به آنان داد تا حکومت روم جنگی را با وی آغاز نکند.<sup>۱۵</sup> این سپاه در هیچ یک از فتوحات شرکت نکرد و وارد هیچ کارزاری جز صفین نشد. بدین سبب توانست تجهیزات را برای جنگ با ریحانه رسول الله (ص) و سبط اکبر او آماده کند. افزون بر این، معاویه افراد زیرک و بدنهادی در اختیار داشت که به مال و ثروت دنیوی او طمع داشتند؛ افرادی چون مغیره بن شعبه، عمرو بن عاص و دیگران، اما در مقابل، سپاه عراق به دلیل نفوذی‌های اموی و خارجی حروری<sup>۱۶</sup> امام را تنها گذاشتند. همچنین معاویه مال و ثروت بسیاری در

۱۳. البیعقوبی، تاریخ البیعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۱۴. همان، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ الطبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۵، ص ۱۵۹.

۱۵. ابن الأعمش، الفتوح، ج ۲، ص ۵۳۹؛ المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۸۷.

۱۶. اصحاب حروریه خوارجی بودند که در روستای «حروراء» در نزدیکی کوفه اجتماع کردند و به مخالفت با علی (ع) برخاستند.

اختیار داشت و با آن دوست و دشمن را وسوسه می‌کرد، به طوری که موجب ازهم‌گسیختگی سپاه امام حسن (ع) شد.

از امور مهمی که موجب شد امام صلح با معاویه را بپذیرد و در آن نشانه آشکاری بر تدبیر و درایت سیاسی و عدم ماجراجویی ایشان وجود دارد، این بود که دریافت شرایط کاملاً به سود او نیست و جلوگیری از ریخته شدن خون خود و شیعیان در درجه اول اهمیت قرار دارد. هنگامی که به او اعتراض شد، به صورت مکرر بر این امر تأکید کرد تا اینکه شیعیان را رهایی بخشید. زمانی که تأسف خوردند از اینکه کارهایشان آنان را به صلح با معاویه کشاند و برخی حتی به سرور و امامشان گستاخی کردند و او را مایه ذلت مؤمنان توصیف کردند، امام با شکیبایی بسیار و با قلبی آکنده از غم و اندوه و استوار و مطمئن در کاری که برای حفظ خون مؤمنان انجام می‌داد، پاسخ داد:

خواستۀ من از صلح با معاویه چیزی جز این نبود که قتل و کشتار را از شما دور کنم.<sup>۱۷</sup>

مسئله مهم‌تر و خطرناک‌تر که امام حسن مجتبی (ع) با دیده بصیرت الهی در آن نگریست، این بود که اگر به جنگ با معاویه برمی‌خاست، منافقان سپاه او که کم هم نبودند، او را اسیر و به معاویه تسلیم می‌کردند. معاویه هم امام را به قتل نمی‌رساند، بلکه آزاد می‌کرد و بدین ترتیب بنی‌هاشم و امادار او می‌شد و معاویه از ننگ ابدی‌اش که «آزادشده فرزند آزادشده» پیامبر اسلام (ص) بود رهایی می‌یافت. امام حسن (ع) بر این مطلب تصریح کرده و فرموده است:

به خدا قسم! اگر با معاویه می‌جنگیدم، گردن مرا می‌گرفتند و مرا سالم نزد او تحویل می‌دادند. به خدا سوگند که من عزتمند و شرافتمندم. اگر با معاویه صلح کنم، بهتر از این است که مرا به عنوان اسیر به قتل برساند یا بر من منت بگذارد و تا ابد منتی بر بنی‌هاشم باشد و معاویه و فرزندان او همواره با آن برزندگان و مردگان ما منت بگذارند.<sup>۱۸</sup>

پس کجاست کسی که ضعف شخصیت امام را بیان می‌کند تا درباره چنین سخنان صریح و مواضع استواری که نشان از انسانی بزرگ و رهبری مصلح و حکیم دارد و صاحب علم و تدبیر سیاسی به معنای واقعی کلمه است اظهار نظر کند. امام حسن (ع) از اسارت به کشته شدن تعبیر می‌کند و مقصودش این است که معاویه او را به قتل نمی‌رساند، بلکه اسیر و سپس آزاد می‌کرد. این عمل

و خروج خود را بر امیرالمؤمنین آشکار کردند (رک به: خمینی، سیدحسن؛ فرهنگ جامع فوق اسلامی؛ ج ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۹؛ ص ۴۹۶). مترجم.

۱۷. الدینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۲۱؛ الطوسی، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ الطبری، دلائل الامامه، ص ۶۴.

۱۸. الطبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۹۰. شیخ صدوق (ره) روایتی ذکر کرده است که نشان می‌دهد معاویه ابداً ضمانتی را درباره شیعیان امام حسن (ع) رعایت نمی‌کند و اگر صلح نمی‌کردند، بقیه شیعیان نیز زنده نمی‌ماندند. به طوری که از امام نقل شده است: «اگر نمی‌آمدم، احدی از شیعه ما روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر اینکه کشته می‌شد». (رک به: الصدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۹)



در حکم قتل امام مسلمین بود تا آن را به سوگندهای مغلظه آمیز خود اضافه کند. در حالی که او راستگوترین گویندگان (ع) است.

امام حسن (ع) سرانجام دروغ بودن ادعاهای معاویه از جمله تظاهر به اسلام و توجه به امور مسلمانان را از طریق شروط صلح برای امت اسلامی و نسل‌های آینده برملا کرد. پژوهشگر محقق نیز خردمندی عمیق و علم دقیق امام را درباره واقعتی حال معاویه درمی‌یابد. امام در بندهای صلح اموری را گنجانده است که کاملاً در تضاد با ماهیت و ذات خصمانه معاویه با اسلام علوی هاشمی است. بی‌تردید کسی که سرشت و فطرتش دشمنی کامل با این خط اصیل است، نباید به هیچ چیز آنان وفادار باشد و کمترین تعهدی نسبت به ایشان داشته باشد. معاویه از اینکه می‌دید امام حسن (ع) صلح با او را پذیرفته است، بسیار شادمان بود،<sup>۱۹</sup> اما وی پس از آنکه وارد کوفه شد، عهد شکنی کرد و طی خطبه‌ای در میان کوفیان گفت:

... هان بدانید که تمام چیزهایی که به حسن بن علی داده بودم، زیر این دو پایم است! به آن پایبند نیستم.

در روایت دیگری آمده است:

به خدا سوگند! من به جنگ با شما برخاستم تا نماز بگذارید و روزه بگیرید و حج برپا کنید و تزکیه و رزید. شما آنها را قطعاً انجام می‌دهید، بلکه به جنگ با شما برخاستم تا بر شما حاکم شوم و خداوند با وجود نارضایتی شما آن را به من عطا کرد.<sup>۲۰</sup>

در روایت دیگری نیز آمده است:

هان بدانید که من به خون خواهی عثمان قیام کردم! خداوند قاتل او را کشت و قدرت را با شکست اقوام به خاندانش بازگرداند. آگاه باشید که من سه روز به شما مهلت داده‌ام. پس هر کس بیعت نکند، ضمانت و امانی نزد ما نخواهد داشت ...<sup>۲۱</sup>

برخی از سیره‌نگاران و مورخان این خطبه را تقبیح کرده و بسیار بر آن عیب گرفته‌اند؛<sup>۲۲</sup> زیرا معاویه خطبه را با سب حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع) آغاز کرده است. امام حسن (ع) نیز به او پاسخ داد، سپس از مجلس برخاست و دیگر بعد از آن در آنجا حضور نیافت.<sup>۲۳</sup>

در اینجا از خود می‌پرسیم که چگونه کسی را معرفی و توصیف کنیم که از صلح با دشمن بهترین بهره را

۱۹. المقریزی، امتاع الاسماع بما للنبی (صلی الله علیه و آله) وسلم) من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع، ج ۵، ص ۳۸۵.

۲۰. ابوالفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۷۷.

۲۱. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۳، ص ۲۷۵؛ الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۱۳۹.

۲۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۸۲.

برد و بندهایی در آن گنجانده که با اصول اسلام حقیقی همسویی داشت؛ اسلامی که با ذات و ماهیت دشمن واقعی‌اش مناسبت و سازگاری ندارد. امام بدین ترتیب ماهیت معاویه را در برابر امت اسلامی آشکار کرد و پیشینه دشمنش قبل از این عمل وی، تضمین‌کننده کاری است که می‌خواست انجام دهد. پس آیا کسی که چنین نقش بزرگی را ایفا کرده است، آن‌گونه که دونالدسن و سلفش لامنس به دروغ پردازی متوسل شده‌اند، مردی ضعیف‌النفس و فاقد شجاعت و توانایی فکری برای رهبری ملت خویش است یا اینکه در نهایت خردمندی و درایت سیاسی و بلندمرتبه‌گی روحی و معنوی است؟!

۲. تهمت بزرگ دیگری که دونالدسن کوشیده است به ناحق و با افترا به امام حسن (ع) بزند این است: امام حسن عنفوان جوانی‌اش را در ازدواج و طلاق گذراند تا آنجا که ازدواجش با زنان به صد رسید. بدین سبب او را مطلق (بسیار طلاق‌دهنده) نامیدند و بدین ترتیب دشمنان خطرناکی برای علی (ع) ایجاد کرد.<sup>۲۴</sup>

وی در اینجا به سلف خود لامنس در دائرةالمعارف الاسلامیه استناد کرده است.<sup>۲۵</sup> دونالدسن در کلام او به برخی از مطالب پوچی که به بعضی از کتاب‌های شیعیان راه یافته است استناد می‌کند:

خود شیعیان اعتراف می‌کنند که حسن شصت همسر و شمار زیادی کنیز داشته است و می‌خوانیم که شمار زنان شرعی او به شصت نفر رسیده است. اینها به جز کنیزان و زنانی است که او از آنان لذت برده است و گفته‌اند که شمارشان سیصد تا نهصد نفر بوده و بسیاری از آنها را طلاق داده است. بدین سبب او را بسیار طلاق‌دهنده نامیده‌اند. از این رو شکایت‌های بسیاری از افراد برجسته به علی شد که حسن با دخترانشان ازدواج می‌کند و بلافاصله آنها را طلاق می‌دهد. تنها جواب علی این بود که از ازدواج دخترانشان با او ممانعت می‌کردند.<sup>۲۶</sup>

وی در اینجا به یک کتاب شیعی داستانی بی‌نام‌ونشان استناد کرده است. این کتاب عقاید الشیعه تألیف میرزا آقاسی است که در تحلیل منابع اطلاعات دونالدسن در پایان مقاله آن را معرفی خواهیم کرد.

در پاسخ به این تهمت می‌گوییم: برخی از روایت‌های مغرضانه از سوی قلم‌های حکومت اموی و عباسی وارد شد و برخی از این مضامین باطل به کتاب‌های معتبر شیعه و دیگر کتاب‌ها درز کرد. اکنون بر این روایت‌ها در کتاب‌های فریقین درنگ می‌کنیم.

## الف) روایت‌ها در منابع اهل سنت

۲۴. دونالدسن، عقیده الشیعه، ص ۸۹.

۲۵. لامنس، دائرةالمعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۴۰۰-۴۰۱، مدخل «الحسن بن علی بن ابی‌طالب».

۲۶. دونالدسن، عقیده الشیعه، ص ۹۰.

پانزده روایت در منابع سنی وجود دارد که امام حسن (ع) را به چنین تهمت زشتی متهم می‌کنند. این روایت‌ها در چندین منبع آمده است.<sup>۲۷</sup>

در نتیجه سند تمام این روایت‌ها به دلیل وجود کذابان و جاعلانی همانند محمد بن عمر واقفی،<sup>۲۸</sup> مدائنی،<sup>۲۹</sup> ابوالقاسم علی بن ابراهیم<sup>۳۰</sup> و دیگران ضعیف است.<sup>۳۱</sup>

در متن چنین روایت‌هایی اشکالات بسیاری وجود دارد و حتی بعضی از این روایات متناقض‌اند. از جمله این اشکالات این است که نام‌ها و انساب همسران امام (ع) که او آنها را طلاق داده نامعلوم است. در این امر نشانه روشنی وجود دارد که این اتهام به صورت نسنجیده‌ای به امام زده شده است. ابوالحسن مدائنی که منابع کهن به وی لقب «النسابة العالم» (نسب‌شناس عالم) را داده‌اند،<sup>۳۲</sup> هفتاد همسریه امام حسن (ع) نسب داده است،<sup>۳۳</sup> اما او فقط ۱۱ نفر از آنان را نام برده است.<sup>۳۴</sup> افزون بر آن اختلاف عجیب و چشم‌گیر میان تعداد همسران امام دلیلی بر ناهمگونی چنین روایت‌هایی است؛ زیرا همسران او را از زنان آزاد شده و مادران فرزندان هفتاد<sup>۳۵</sup> تا سیصد نفر<sup>۳۶</sup> برشمرده‌اند، در حالی که

۲۷. این روایات در الطبقات الكبرى ابن سعد و تاریخ مدینة دمشق ابن عساکر و تهذیب الکمال مزنی، تهذیب التهذیب ابن حجر، سیر اعلام النبلاء ذهبی و منابع دیگر وارد شده است. شیخ وسام برهان البلداوی این روایت‌ها را ذکر کرده و به نقد آنها پرداخته است. وی انحراف و شبهه‌ای را که در متن و سند هریک وجود داشته، به صورت جداگانه تبیین کرده است. (البلداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۶۰-۲۰۸)

۲۸. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقفی سهمی اسلمی مدنی (د: ۲۰۷ ق / ۸۲۳ م) از قدیمی‌ترین مورخان اسلامی در مدینه به دنیا آمد و در روزگار الرشید به عراق رفت و به یحیی بن خالد برمکی پیوست. او هدایایی به واقفی عطا و به خلیفه نزدیکش کرد تا جایی که مسند قضاوت را در بغداد عهده‌دار شد و تا زمان مرگش در این شهر اقامت داشت. مهم‌ترین آثار او المغازی النبویه است که اهل حدیث آن را ضعیف می‌دانسته و گاهی او را به دروغ‌پردازی و گاهی به وضع و جعل متهم کرده‌اند و حکم به عدم حجیت روایت‌های مسند وی علاوه بر روایت‌هایی که از خودش و بدون سندی نقل و روایت می‌کند داده‌اند. (برای اطلاع بیشتر از آراء محدثین درباره الواقفی ر. ک به: البلداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۶۱-۶۴)

۲۹. علی بن عبدالله، ابوالحسن مدائنی (د: ۲۲۵ ق / ۸۴۰ م) از موالی عبدالرحمن بن سمره و راوی، مورخ و صاحب تألیف‌های بسیار بود. وی اهل بصره و ساکن مدائن بود. سپس به بغداد رفت و تا زمان مرگش در این شهر بود. مدائنی از متهمان به دروغ‌پردازی در حدیث به شمار می‌رود. ذکر شده که مسلم در صحیح خود روایت از او را نپذیرفته است و ابن عدی او را ضعیف دانسته است. افزون بر آن از عوانة بن حکم که به وفاداری اش به عثمان و امویان معروف است، روایت شده که اکثر روایت‌های مدائنی احادیث مرسل است. (برای اطلاع بیشتر ر. ک به: البلداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۱۱۴-۱۱۹)

۳۰. ابوالقاسم علی بن ابراهیم (د: ۵۰۸ ق / ۱۱۱۴ م) از بزرگ‌ترین دشمنان شیعه بود. به طوری که پیش از مرگش وصیت کرد که کسی از شیعیان نزدش حاضر نشود و به او کمک نکند. ذهبی می‌گوید: «... او وصیت کرد ... که کسی از شیعیان به او کمک نکند...». (ر. ک به: الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۲۰۴)

۳۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک به: البلداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۶۰-۲۰۸.

۳۲. الخطیب البغدادی، تاریخ مدینة السلام و اخبار محدثیها و ذکر قطانها من غیر اهلها و واردیها، ج ۱۳، ص ۵۱۸؛ الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۵۴۱.

۳۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲.

۳۴. همان‌جا.

۳۵. همان‌جا.

۳۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲.

مورخان فرزندان حضرت را بین هفت<sup>۳۷</sup> تا بیست پنج نفر<sup>۳۸</sup> ضبط کرده‌اند که این تعداد فرزند طبیعی است و هرگز نشان‌دهنده کثرت همسران ایشان نیست.

اگر امام حسن (ع) سبط پیامبر اسلام (ص) بسیار طلاق‌دهنده بود، چرا دشمن واقعی خود، یعنی جعده دختر اشعث را که آن حضرت را به قتل رساند طلاق نداد؟ دونالدسن بدین مسئله اعتراف کرده است که او دشمنی‌اش را نسبت به امام پنهان نگاه می‌داشت.<sup>۳۹</sup> امام حسن (ع) فردی صبور و قانع بود و آزار و اذیت او را تحمل می‌کرد و این فرد چند بار به قتل او اقدام کرد.<sup>۴۰</sup> بنابراین صفت بسیار طلاق‌دهنده از کجا به ایشان داده شده است. آیا اگر این ازدواج‌های شبهه‌انگیز درست بود، دشمن بزرگ او، یعنی معاویه از آن غفلت می‌کرد و آن را فرصت مغتنمی برای رسوا کردن امام (ع) قرار نمی‌داد؟<sup>۴۱</sup> به نظر می‌رسد چنین روایت‌هایی را عباسیان که به وسیله علویان و به بهانه دادخواهی از آنان به شهرت و قدرت رسیدند، به طور مشخص در روزگار منصور دوانیقی بر ضد خاندان علی (ع) نقل کردند؛ زیرا هنگامی که عباسیان موقعیتشان تثبیت شد، خاندان علوی علیه آنان قیام کردند و خاندان امام حسن (ع) نقش پررنگی در این قیام‌ها داشتند. بدین سبب منصور برای فروکاستن از جایگاه آنان و جدشان امام حسن (ع) عامدانه به وارد کردن چنین روایت‌هایی پرداخت. به طوری که پس از آنکه عبدالله بن حسن را دستگیر کرد، هنگام سخنرانی‌اش در منبر هاشمیه آنچه را در دلش پنهان داشت آشکار کرد.<sup>۴۲</sup> این موجب می‌شود پژوهشگر به این دیدگاه گرایش یابد که آیا چنین امری در نامه‌نگاری‌های تقریباً زیاد امام حسن (ع) با معاویه وارد نشده بود. با توجه به اینکه امر طلاق در سنت پیامبر اسلام (ص) منفورترین حلال به شمار می‌رود، چگونه ممکن است که سبط پیامبر اسلام با سنت جدش مخالفت ورزد و بسیار طلاق‌دهنده باشد؟ در حالی که ایشان چنان‌که درباره همسرش جعده دختر اشعث دیدیم، در تمسک به سنت پیامبر از همه سزاوارتر است.

## ب) روایت‌ها در منابع شیعه

شش روایت وجود دارد که منابع شیعه آنها را ذکر کرده‌اند و این روایت‌ها در جاهای مختلف آمده است.<sup>۴۳</sup>

۳۷. المقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۷۵.  
۳۸. ابن سعد، ترجمة الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۲۷-۲۸.  
۳۹. دونالدسن، عقیده الشیعه، ص ۹۳.  
۴۰. همان، ص ۹۱-۹۳.  
۴۱. البلداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۲۵۹-۲۸۱.  
۴۲. المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۱۱.  
۴۳. در روایت از آنها در کتاب الکافی شیخ کلینی و دو روایت دیگر در کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان مغربی آمده است. همچنین یک روایت در مستدرک الوسائل میرزای نوری و یک روایت در مناقب ابن شهر آشوب آمده است. بلدای هنگام تحلیل روایت ابن شهر آشوب در سیاق روایات منابع سنی دچار خطایی شده است. همچنان‌که بلدای به تحلیل بدیهیات روایت‌های در زکده به منابع شیعه پرداخته و در این راه به بهترین شکل از دیدگاه مذهب شیعه امامیه عمل کرده است. (البلداوی، القول

در این روایت‌ها نیز اشکالات سندی وجود دارد. در آنها از فرقه و واقعه همچون حمید بن زیاد،<sup>۴۴</sup> حسن بن محمد بن سماعه<sup>۴۵</sup> و دیگران روایت وجود دارد. در حالی که احادیث بسیاری در ذم واقعه وارد شده است. حتی در بسیاری از آنها به کفر و ناصبی بودن آنان و اینکه مرتد از حق هستند تصریح شده است.<sup>۴۶</sup> این فرقه نزد بزرگان امامیه به «کلاب مملو» (سگ‌های باران خورده) مشهورند و اگر به سگ‌ها باران بخورد، از لاشه‌های گندیده نیز متعفن‌تر می‌شوند.<sup>۴۷</sup> در برخی از این روایت‌ها [حمید بن زیاد و ابن سماعه] سند روایت ضعیف است و راویان ناشناخته‌ای همچون حسن بن مجاشع وجود دارد.<sup>۴۸</sup> افزون بر آن خود این منابع نیز جز الکافی شیخ کلینی ضعیف‌اند؛ زیرا این منابع مثل دعائم الاسلام قاضی نعمان و مناقب ابن شهر آشوب و کشف الغمّة اربلی از نظر شیعه از منابع دست دوم در حدیث به شمار می‌روند.

این روایت‌ها از نظر مضمون و متن با سیره اهل بیت (ع) در تضاد است؛ زیرا ایشان الگوی رحمت خداوند در زمین به شمار می‌رفتند، حتی با گستاخ‌ترین دشمنانشان، حال چه رسد به همسرانشان. چگونه می‌شود ایشان با داشتن همسران بسیار و زیاده‌روی در اختیار کردن کنیزان با حدود الهی و سنت پیامبر خدا (ص) مخالفت ورزند؟ چرا که در این کار افزون بر مخالفت با سنت‌ها نوعی آزارسانی به نفس انسانی وجود دارد. آنان هم‌تای قرآن و جانشینان رحمان و وصیان رسول الله (ص) بودند. امام حسن مجتبی (ع) نیز حافظ ناموس و همسرانش بود. او حتی با وجود آزارهایی که از جانب جعده دختر اشعث می‌دید او را طلاق نداد.

۳. از دیگر خیال‌بافی‌های دونالدسن این است که ادعا کرده است امام مجتبی (ع) با پدر و برادرانش رابطه خوبی نداشت. وی می‌گوید:

اوپس از وفات فاطمه (س) در عنفوان جوانی با پدر و برادرانش رابطه خوبی نداشت.<sup>۴۹</sup>

در پاسخ به این سخن می‌گوییم که قضیه کاملاً برعکس است. رابطه میان امام حسن (ع) و پدرش امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) به بهترین شکل بود و فقط رابطه پدر و فرزندی نبود، بلکه رابطه معلم و شاگردی بود. این مسئله در وصیت جاویدانی که ایشان پس از بازگشت از جنگ صفین برای

الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۱۵۸-۲۱۱ و ص ۱۵۹-۱۶۵

۴۴. حمید بن زیاد بن حماد الدهقان ابوالقاسم کوفی ساکن سور بود. سپس به نینوا روستای علی علقمی در کنار منطقه «الحائر [الحسینی]» که درود بر صاحب آن باد رفت. وی در سال ۳۱۰ درگذشت. (رک به: النجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۳۲)

۴۵. حسن بن محمد بن سماعه ابومحمد کندی صیرفی از شیوخ فرقه واقعه و کثیرالحدیث و در این زمینه ثقة بود. وی نسبت به فرقه واقعه تعصب داشت. (رک به: النجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۴۰-۴۱)

۴۶. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره فرقه واقعه و تاریخ پیدایش و تحولات آن رک به: الناصری، الواقیة دراسة و تحلیل، ج ۲-۱، ص ۲۷. رک به: النوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۱-۸۲.

۴۸. البلبداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۲۵۷.

۴۹. دونالدسن، عقیده الشیعه، ص ۸۹.

فرزندش حسن (ع) به جا گذاشت کاملاً روشن است.

امام علی (ع) با فرزندش امام حسن (ع) همچون وزیری برای خود رفتار می‌کرد و حوادث عصر خلافتش (۳۵-۴۰ ق / ۶۵۶-۶۶۰ م) گواه این امر است؛ زیرا امام حسن (ع) بود که اهل کوفه را برای جنگ با اصحاب جمل ترغیب کرد و توانست نه هزار نفر برای پدرش بسیج کند.<sup>۵۰</sup> او در جنگ صفین نیز حاضر بود و بیشترین از خودگذشتگی را در دفاع از حق که در پدرش نمودار بود به انجام رساند تا اینکه امام علی او و برادرش امام حسین (ع) را از جنگ بازداشت.<sup>۵۱</sup> هر وقت برای امام علی (ع) رفتن به نماز ممکن نبود، فرزندش حسن را برای این کار جانشین خود می‌کرد؛<sup>۵۲</sup> همچنان که برخی از امور قضا را نیز به او واگذار کرده بود.<sup>۵۳</sup>

۴. از جمله چیزهایی که دونالدسن به ناحق ادعا کرده و به امام حسن (ع) نسبت داده، صفت اسراف است. وی می‌گوید:

اسراف زیاد او این امر را به اثبات می‌رساند که مال زیادی را به هریک از زنانش اختصاص داد. بدین ترتیب می‌بینیم که اموال بسیاری را در طول خلافت علی (ع) حیف و میل کرد، در حالی که خود خلافت بسیار نیازمند بود.<sup>۵۴</sup>

این گفته را برخی از روایت‌ها در منابع سنی و شیعه تأیید کرده است،<sup>۵۵</sup> اما پژوهشگر متخصص متوجه می‌شود که این روایت‌ها از نظر سند مرسل هستند و به روایت‌های مرسل نمی‌توان استناد کرد. این مضمون با شخصیت امام حسن مجتبی (ع) در تضاد است؛ زیرا وی مبانی صحیح اسلام را از پدرش (ع) و جدش مصطفی (ص) در کم بودن مهریه و آسان کردن امر ازدواج و عدم اسراف به ارث برده بود. مادرش فاطمه (س) نیز با مهریه کم وارد خانه همسرش علی بن ابی طالب (ع) شد و زندگی شان همراه با زهد و پارسایی بود. بنابراین چگونه می‌شود که فرزندشان امام حسن مجتبی (ع) بر روش آنان پایبند نباشد؟ در حالی که قطعاً چنین بوده است. روایت شده که حسن بن علی دو بار اموالش را در راه خداوند متعال با دیگران تقسیم کرد. حتی کفش خود را بخشید. آن حضرت ۲۵ بار همراه زنان شریفش پیاده برای انجام مناسک حج [به مکه] رفت.<sup>۵۶</sup>

۵. دونالدسن ادعا کرده است که معاویه مال و ثروت برای امام حسن (ع) می‌فرستاد و او آنها را به باد

۵۰. الطبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۴، ص ۴۹۹-۵۰۰.

۵۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۱، ص ۲۴۴ و ج ۱۶، ص ۱۱ و ۲۴.

۵۲. المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۹.

۵۳. الکلبینی، الفروع من الکافی، ج ۷، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۵۴. دونالدسن، عقیده الشیعه، ص ۸۹-۹۰.

۵۵. رک به: البلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۷۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۱؛ الاربلی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمه، ج ۲، ص ۱۸۳؛ الطبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۹۰.

۵۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۸.

می‌داد و نتیجه این شد که در ۴۵ سالگی به دلیل بیماری سل درگذشت.<sup>۵۷</sup>

در پاسخ می‌گوییم که امام حسن مجتبی اموال پدرش علی (ع) را که زیاد هم بود به ارث برد. از جمله دارایی‌هایش زمین‌های کشاورزی در منطقه ینبع<sup>۵۸</sup> بود که اکنون به ایبار علی (ع) مشهور است و امام آن را جزء صدقه‌ها قرارداد.<sup>۵۹</sup> این از جمله چیزهایی بود که خداوند به پیامبرش بخشید و او به علی بخشید.<sup>۶۰</sup> علی (ع) نیز شخصاً از اموالش به دیگران انفاق می‌کرد.<sup>۶۱</sup> امام دارایی‌ها و موقوفات دیگری نیز در اطراف مدینه داشت که از املاک خود و املاک فاطمه زهرا (س) بود و این دارایی‌ها را به فرزندش حسن وصیت و وقف بنی‌هاشم کرد.<sup>۶۲</sup> امام حسن امور زندگی‌اش را با استفاده از آنها اداره می‌کرد. حتی از این دارایی‌ها به شیعیان کمک می‌کرد. به طوری که زمینی از صدقات ینبع را به ابی‌رافع داد و خانه‌ای به او بخشید.<sup>۶۳</sup> امام حسن بعد از پدرش وصی او بود. بنابراین وی صاحب املاک و مستغلات و زمین‌های کشاورزی و نیز وجوه شرعی بود که از سوی شیعیان به او می‌رسید و نیازی به مال و ثروت معاویه نداشت. او سید جوانان اهل بهشت است و در شناسایی اموال حلال از اموال حرام از دیگران داناتر بود و آن را به خوبی تشخیص می‌داد.

امام حسن (ع) برخی از بندهای مالی را در سند صلح خود با معاویه گنجانده بود که نشان دهنده معرفت امام نسبت به این مسئله است که حاکم اسلامی باید اقتصاد امت را مدیریت کند. از این رو معاویه را متعهد کرد که یک میلیون درهم به افراد تحت تکفل شهدای جنگ‌های صفین و جمل غرامت بپردازد.<sup>۶۴</sup> در بخشش اموال نیز بنی‌هاشم را بر بنی شمس ترجیح دهد و بیت‌المال کوفه را که در اختیار اوست، مستثنا کند. به برادرش حسین (ع) نیز سالیانه دو میلیون درهم پرداخت کند و خراج و مالیات دارا برگرد ولایت فارس را در اختیار او قرار دهد. علاوه بر آن هیچ‌یک از شیعیان را از بخشش اموال محروم نکند.<sup>۶۵</sup> امام حسن (ع) بدین گونه عمل کرد تا برای نسل‌های آینده مشخص شود که او نسبت به اقتصاد شیعیان خود بسیار توجه می‌کرد.

۵۷. دونالدسن، عقیده شیعه، ص ۹۰.  
۵۸. یاقوت می‌گوید: «... ینبع قلعه‌ای است که در آن نخلستان و آب و کشت و کار هست. علی بن ابی‌طالب (ع) موفقاتی در آن داشته که فرزندش عهده‌دار آنها بود...». (یاقوت الحموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۵۱۳)  
۵۹. ابن شیه، تاریخ المدینة المنورة او اخبار المدینة، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷.  
۶۰. الکلبینی، الفروع من الکافی، ج ۷، ص ۵۴.  
۶۱. الثقفی، الغارات او الاستنفا و الغارات، ص ۴۴-۴۵؛ ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۱۱۲.  
۶۲. الصدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ الطوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، ج ۹، ص ۱۴۶-۱۴۸.  
۶۳. الاربلی، کشف الغمة فی معرفة الاثمه، ج ۱، ص ۱۴۵.  
۶۴. الدینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۱۸؛ الطبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۵، ص ۱۶۲-۱۶۵؛ الصدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۰.  
۶۵. البلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۶؛ الیعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۲؛ المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۵.

اما اعتقاد دونالدسن مبنی بر اینکه امام به دلیل اسراف در اموال به بیماری سل مبتلا شده بود، شاید مقصودش این است که در نتیجه زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن به این بیماری دچار شده بود. در این باره می‌گوییم که این ادعا باطل است؛ زیرا از نظر علمی دلیلی بر اینکه اسراف و زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن موجب بیماری سل شود وجود ندارد. از همین رو به منبع این اطلاعات اشاره نکرده و سخنان بی‌ربطی گفته است و منابع تقریباً اتفاق نظر دارند که امام حسن (ع) در نتیجه سم و به دست همسرش جعدہ دختر اشعث و با دستور و دسیسه معاویه وفات یافت.<sup>۶۶</sup> چنین مرضی از آفت‌ها و بیماری‌هایی است که ما شیعیان امامیه معتقدیم که معصومین (ع) از ابتلا به آنها در بدنشان منزه و مبرايند.

### معرفی انتقادی منابع دونالدسن در سیره امام حسن (ع)

دونالدسن شرق‌شناس بریتانیایی در تحلیل جنبه‌های مختلف سیره امام حسن مجتبی به تهمت زنی‌ها و خیال‌بافی‌های گوناگونی پرداخته است؛ چون به به منابع بنیادی برای کسب اطلاعات دقیق استناد نکرده است، بلکه به منابع دست‌دوم و غیرمعتبر و قصصی همچون کتاب جنات الخلود، روضة الشهداء، عقائد الشیعة فی فوائد الشریعه و خلاصة الأخبار استناد کرده است. این کتاب‌ها را معرفی خواهیم کرد. این آثار از منابع بسیار متأخر بوده و برای عامه مردم به نگارش درآمده است و مؤلفان آنها را به برخی از پادشاهان و وزیران حکومت صفوی و قاجار اهدا کرده‌اند. اغلب این کتاب‌ها در کشورها مانده و درباره‌شان تحقیق نشده است. دونالدسن چنان‌که در فهرست منابع کتابش مشخص است یا به نسخه‌های خطی این کتاب‌ها یا چاپ‌های سنگی آنها دسترسی داشته است:<sup>۶۷</sup>

۱. کتاب روضة الشهداء که به کَشکول معروف است. چنان‌که شیخ آقابزرگ طهرانی به این کتاب صفت ملمع<sup>۶۸</sup> داده است.<sup>۶۹</sup> این اثر کتابی غیرتاریخی است که برای خواندن در منابر تألیف شده<sup>۷۰</sup> و به زبان فارسی و اثر مولی واعظ حسین بن علی کاشفی بیهقی (د: حدود ۹۱۰ق / ۱۵۰۴م) است. کتاب درده باب و خاتمه تنظیم شده و فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و بخش عمده‌ای از سادات در آنها ذکر شده‌اند. روضة الشهداء شامل مجموعه اخباری از سیره پیامبر اسلام (ص)، حضرت زهرا (س) و ائمه معصومین (ع) است که گزیده‌گویی در ذکرائمه بعد از حسین (ع) در آن مشهود است.<sup>۷۱</sup>

۶۶. البلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۶؛ المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۵.

۶۷. رک به: دونالدسن، عقیده الشیعه، ص ۳۵۹-۳۶۳.

۶۸. اسپسی که در بدنش لکه‌هایی به رنگ غیراصلی آن موجود است.

۶۹. آقابزرگ الطهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱۲.

۷۰. همان‌جا.

۷۱. همان‌جا.



۲. از منابع دیگر دونالدسن کتاب جنات الخلود است که این نیز به کَشکول می‌ماند و تألیف میرزا محمد رضا بن محمد مؤمن امامی مدرس (د: بعد از سال ۱۱۲۸ق / ۱۷۱۶م) به زبان فارسی است. کتاب شامل شرح اسماء الحسنی و معرفی انبیای عظام و تاریخ هریک از چهارده معصوم (ع) و اخلاق مشترک آنهاست. همچنین کتاب به تاریخ پادشاهان و سلاطین اموی و عباسی پرداخته است. معرفی ملل و نحل، ذکر طول و عرض و فاصله میان شهرها، شناخت جهت قبله، آداب سفر و مسائل مربوط به روزها و ماه‌ها از دیگر مطالب کتاب است. مؤلف کتاب را با نام شاه سلطان حسین صفوی (حک: ۱۱۰۶-۱۱۳۵ق / ۱۶۹۵-۱۷۲۳م) آغاز کرده است.<sup>۷۲</sup> به‌طور کلی نسخه‌های موجود کتاب با موضوع‌های بسیاری که در بردارد از هفتاد برگ فراتر نمی‌رود.<sup>۷۳</sup> بنابراین چگونه مؤلف می‌خواسته به شکل دقیقی درباره مسیر زندگی امام حسن (ع) بنویسد؟

۳. منبع دیگری که دونالدسن از آن اقتباس کرده است، کتاب خلاصة الأخبار سید محمد مهدی بن محمد جعفر موسوی تنکابنی (د: ۱۲۴۳ق / ۱۸۲۸) به زبان فارسی است. کتاب درباره قصص انبیا و ائمه (ع)، مناقب، معجزه‌ها و برخی از مکارم اخلاقی است. برخی از نکات مربوط به منابع و رجعت و احوال حضرت حجت (عج) از دیگر مطالب کتاب است.<sup>۷۴</sup> این کتاب نیز بیشتر رنگ و بوی داستانی دارد و از آثار متأخر است.

۴. در نهایت ملاحظه می‌کنیم که دونالدسن بر کتاب نامعتبر دیگری به نام عقائد الشیعه اثر حاج میرزا آقاسی، وزیر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق / ۱۸۳۴-۱۸۴۸م) استناد کرده و از چاپ سنگی آن بهره برده است. شیخ آقابزرگ طهرانی خیلی موجز این کتاب را معرفی کرده و اگر نسخه خطی از آن بوده، آن را ذکر نکرده است. دونالدسن در اقتباس از این کتاب به تلخیصی از آن به زبان انگلیسی ترجمه ادوارد براون شرق‌شناس بسنده کرده است،<sup>۷۵</sup> در حالی که شایسته بود شرق‌شناسی چون دونالدسن اطلاعات خود را از منابع کهن، یعنی کتاب‌های روایی شیعه که تاریخ معصومین (ع) را ذکر کرده‌اند استخراج می‌کرد، نه اینکه از کتاب‌های قصص متأخری که برای فهم عوام تألیف شده مدد می‌جست.

منابع دیگر دونالدسن آثار برخی از شرق‌شناسان هم‌ردیف اوست که از برجسته‌ترین آنها به هنری لامنس شرق‌شناس بلژیکی و ویلیام مویر<sup>۷۶</sup> شرق‌شناس انگلیسی می‌توان اشاره کرد که هر دو به دشمنی سخت با اسلام و پیامبر اسلام (ص) معروف‌اند.

هنری لامنس پدر روحانی یسوعی بلژیکی بسیار متعصب بود و با اسلام دشمنی سختی داشت. وی از

۷۲. همان، ج ۵، ص ۱۰۷.

۷۳. درایتی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۳، ص ۷۲۵-۷۲۶.

۷۴. آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۷، ص ۱۵۰.

۷۵. همان، ج ۱۵، ص ۲۰۶.

روایت‌های ضعیف بهره‌برداری می‌کرد و عبارت‌ها و مفاهیم آنها را به نفع اندیشه‌های نامتعارف خود تغییر می‌داد. این شرق‌شناس کمترین شرایط امانت علمی را رعایت نمی‌کرد. عبدالرحمن بدوی در موسوعة المستشرقین او را چنین معرفی می‌کند:

زشت‌ترین کاری که او کرد ... این بود که در پاورقی‌ها به صفحات منابعی اشاره می‌کرد که من به اغلب این اشاره‌ها در کتاب‌هایی که بدان‌ها ارجاع داده بود، مراجعه کردم و دریافتم که او یا به موضوع‌هایی اشاره می‌کند که اصلاً وجود ندارد یا فهم‌گنگ و نادرستی از متن دارد و یا با خودسری بسیاری الزاماتی را استخراج می‌کند که نشان‌دهنده ذهن فاسد و نیت پلید اوست.<sup>۷۷</sup>

در اینجا این تصویر را با آنچه جورج جرداق درباره لامنس در کتاب الامام علی (ع) صوت العدالة الانسانیة می‌گوید کامل می‌کنیم:

لامنس دغدغه اول خود را بر تمجید معاویه و بنی‌امیه و جعل و برساختن دلایلی نهاده که می‌خواهد با آنها امام علی (ع) را در مقامی فروتر از مقام معاویه قرار دهد. لامنس علم و دانش فراوان خود را در خدمت حقیقت به کار نگرفته است. همچنین سندها و مدارکی که در آثار خود به تأیید و اثبات آنها متوسل شده برای روشن ساختن واقعیت و تبیین آنچه که بر دیگران پوشیده مانده نیست، بلکه وی در کوشش خود برای وارونه جلوه دادن حقایق تاریخی و آنچه عقل و منطق و طبیعت حوادث به اثبات می‌رساند، به دانش و اطلاعات گسترده خود خیانت می‌کند. حتی احساساتی را که انسان در دوستی نسبت به مسلمانان بزرگ صدر اسلام شایسته آن است، وارونه جلوه می‌دهد و می‌کوشد عواطف انسان را که از جنبه نیک بشری به انسان‌های نیکوکار و پاکدل دارد تخطئه کند.<sup>۷۸</sup>

اما سرویلیام مویر نیز با اسلام دشمنی و کینه داشت. وی در سال‌های ۱۸۳۷-۱۸۷۶ به عنوان مبلغ مسیحی در هند فعالیت می‌کرد و به شکل مغرضانه و حقیرانه‌ای کوشید مسیحیت و یهود را از طریق قرآن کریم به اثبات برساند.<sup>۷۹</sup>

## خاتمه

پژوهش دوايت م. دونالدسن شرق‌شناس بریتانیایی از نخستین مطالعات شرق‌شناسانه‌ای است که امامان دوازده‌گانه (ع) را بررسی کرده است. این پژوهش همچنین شامل مطالعه جغرافیای تاریخی مرقدهای آنان است.

دونالدسن علاقه‌ای به گرفتن اطلاعات از منابع نخستین شیعه نداشته است. اغلب مشاهده می‌کنیم

۷۷. بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۵۰۴.

۷۸. جرداق، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۲۳۸-۲۳۹.

۷۹. بدوی، موسوعة المستشرقین، ص ۵۷۸.

که وی دقیقاً به برخی از منابع تاریخی عمومی بسنده کرده و به آثار قصصی نامعتبر استناد می‌کند.

دونالدسن هنگامی که به ذکر سیره امام حسن مجتبی (ع) می‌پردازد، دچار خطاهای بزرگ و خیال‌بافی‌های نابخشودنی می‌شود. از شمار آنهاست:

۱. وی ادعا کرده که امام حسن (ع) شجاعت و کارآزمودگی سیاسی نداشت و در پی آسایش و راحتی بود. در حالی که این کاملاً از شخصیت کریم و رسالت برحق به دور است و ثبات شخصیت و دوران‌دیشی وی را در صلحش با معاویه مشاهده کردیم.

۲. مسئله ازدواج‌های متعدد امام حسن (ع) را که اساساً افتزایی بر او بود، مطرح کرد و ما روایت‌های وارد شده در این باره را در منابع سنی و شیعه بررسی کردیم و دروغ بودن آنها را تبیین ساختیم.

۳. مؤلف ذکر کرده که امام مجتبی (ع) رابطه خوبی با پدر و برادرانش نداشته، در حالی که خلاف این امر ثبت شده است؛ زیرا او بعد از پدر وصی و جانشین او در وظایف الهی امامت بود. پس از او نیز برادرش امام حسین (ع) همین مقام را داشت. بنابراین رابطه میان آنان چنان‌که خداوند تعیین کرده، رابطه‌ای الهی و در رفیع‌ترین سطح بوده است.

۴. دونالدسن صفت تبذیر را به دلیل زیاده‌روی در مهریه همسران به امام حسن (ع) نسبت داده است. در حالی که این صفت از اخلاق والای او به دور است و ما تعداد صحیح همسران او را به اثبات رساندیم. مسئله اسراف نیز از امام به دور است؛ زیرا زندگی وی در نهایت زهد و پارسایی و به دور از لذت‌های حقیرانه این دنیا بود.

۵. کار دونالدسن به جایی رسیده که ادعا کرده امام حسن از اموال و دارایی معاویه بن ابی سفیان برای گذراندن زندگی کمک گرفته است. شاید وی به دلیل بندهای مالی که در سند صلح امام حسن و معاویه آمده و معاویه بدان‌ها عمل نکرد، به این توهم دچار شده است، ولی ما خلاف آن را ثابت کردیم؛ زیرا دارایی‌های امام حسن از جمله اموال و صدقات جاری که از پدرش در مدینه به ارث برد و آنچه خود به دست آورد، او را از مال حرام بی‌نیاز کرده بود، اما با وجود ثروتی که در اختیار داشت، با زهد و پارسایی و پرهیزگاری زندگی خود را گذراند و از سیره پدر و مادر و جدش (ع) پیروی کرد.

#### کتابنامه

- آقابزرگ الطهرانی، محمد محسن بن علی بن محمد رضا؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه؛ تصحیح رضا بن جعفر مرتضی‌العاملی؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۹.
- ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد الشیبانی الجزری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ تصحیح عادل احمد الرفاعی؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۶.
- ابن الاعثم، ابومحمد احمد بن الاعثم الکوفی؛ الفتوح؛ تحقیق: علی شیری؛ بیروت، دار الاضواء، ۱۹۹۱.
- ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن هبة الله بن عبدالله المدائنی المعتزلی؛ شرح نهج البلاغه؛ تحقیق: محمد

- ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۲.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری؛ ترجمة الامام الحسن (علیه السلام) (بخش چاپ نشده کتاب الطبقات الکبیر)؛ تهذیب و تحقیق: عبدالعزیز الطباطبائی؛ قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶.
- ابن شیه، ابوزید عمر بن شیه زید بن عبیده بن ریطة النمری البصری؛ کتاب تاریخ المدینة المنورة او اخبار المدینة؛ تعلیقات و استخراج احادیث: علی محمد دندل و دیگران؛ بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۶.
- ابن شهر آشوب، رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب السروی المازندرانی؛ مناقب آل ابی طالب؛ تحقیق: یوسف بقاعی؛ بیروت، دار الاضواء، ۱۹۹۱.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله بن الشافعی الدمشقی؛ تاریخ مدینة دمشق؛ تحقیق: عمر بن غرامة العمروی؛ بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۵.
- ابوالفرج الاصفهانی، علی بن الحسین بن محمد المروانی الاموی القرشی؛ مقاتل الطالبیین؛ شرح و تحقیق: احمد صقر؛ بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ط ۳، ۱۹۹۸.
- الارلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح؛ کشف الغمة فی معرفة الاثمه؛ بیروت، دار الاضواء، ط ۲، ۱۹۸۵.
- بدوی، عبدالرحمن؛ موسوعة المستشرقین؛ بیروت، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر، ط ۴، ۲۰۰۳.
- البلاذری، ابوالعباس احمد بن یحیی بن جابر؛ انساب الاشراف؛ تحقیق: محمود فردوس العظم؛ دمشق: دار الیقظة العربیة، ۱۹۹۷.
- البلدای، وسام برهان؛ القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)؛ کربلاء، العتبة الحسینیة المقدسه، ۲۰۰۸.
- جرداق، جورج؛ الامام علی صوت العدالة الانسانیة؛ بیروت، دار مکتبة الحیة، ۱۹۷۰.
- الثقفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال؛ الغارات او الاستنفاذ و الغارات؛ تحقیق و تعلیقات: عبدالزهراء الحسینی الخطیب؛ بیروت، دار الاضواء، ۱۹۸۷.
- الخطیب البغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت؛ تاریخ مدینة السلام و اخبار مدینتها و ذکر قطانها من غیر اهلها و واردتها؛ تحقیق و تعلیقات: بشار عواد معروف؛ بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۱.
- درایتی، مصطفی؛ فهرستواره دست نوشت های ایران؛ تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۲۰۰۸.
- دونالدسن، دوايت؛ عقیده الشیعه؛ ترجمه به عربی: ع. م؛ بیروت، مؤسسه المفید، ط ۲، ۱۹۹۰.
- الدینوری، ابوحنیفه احمد بن داود؛ الاخبار الطوال؛ تحقیق: عبدالمنعم عامر؛ بازنگری و ویرایش: جمال الدین الشیال؛ قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۹۶۰.
- الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان؛ سیر اعلام النبلاء؛ تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا؛ بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۴.
- الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی؛ علل الشرائع؛ تصحیح، تعلیقات و مقدمه: الشیخ حسین الاعلمی؛ بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۸.
- \_\_\_\_\_؛ من لایحضره الفقیه؛ تصحیح و تعلیقات: علی اکبر الغفاری؛ قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ط ۴، ۱۴۲۶.
- الطبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب؛ الاحتجاج؛ تعلیقات: السید محمد باقر الموسوی الخراسانی؛ بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ط ۳، ۲۰۰۰.
- الطبرسی، المیرزا حسین النوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ تحقیق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث؛ قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ط ۳، ۱۹۹۱.
- الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم؛ دلائل الامامه؛ بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ط ۲، ۱۹۸۸.

سال سی ویکم، شماره چهارم، مهر و آبان ۱۳۹۹ | ۲۷۹ | پژوهش های شرق شناسان درباره امام حسن (علیه السلام)  
نقد و بررسی کتاب

الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید؛ تاریخ الرسل و الملوك؛ تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۳.

الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی؛ اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي؛ تحقیق: جواد القيومی الاصفهانی؛ قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۷.

\_\_\_\_\_؛ تهذیب الاحكام فی شرح المقنعة للشيخ المفيد؛ تحقیق و تعليقات: حسن الموسوی الخراسانی؛ تهران، دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.

الکلبینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الفروع من الکافی؛ تصحیح، مقابله و تعليقات: علی اکبر الغفاری؛ تهران، دار الكتب الاسلامیه، ط ۴، ۱۹۹۶.

لامانس، هنری؛ دائرة المعارف الاسلامیه؛ ترجمه به عربی: محمد ثابت الفندی و دیگران؛ بیروت، دارالمعرفة، بی تا.  
المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسين بن علی الهذلي؛ مروج الذهب و معادن الجوهر؛ تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید؛ بیروت، دار المعرفة، بی تا.

المقدسی، المطهر بن طاهر؛ البدء و التاريخ؛ به کوشش: کلیمان هیوار؛ بغداد: مکتبه المثنی، بی تا.

المقریزی، تقی الدین احمد بن علی بن عبد القادر بن محمد؛ امتاع الاسماع بما للنبي (صلى الله عليه [وآله] وسلم) من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع؛ تحقیق و تعليقات: محمد عبدالحمید النمیسی؛ بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۹۹۹.

الناصری، ریاض محمد حبيب؛ الواقفیه دراسة و تحلیل؛ مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا(علیه السلام)، ۱۴۰۹.

النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن العباس الاسدی الكونی؛ فهرست أسماء مصنفي الشيعة؛ تحقیق: موسی الشبیری الزنجانی؛ قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ط ۷، ۱۴۲۴.

النویختی، ابومحمد الحسن بن موسی؛ فرق الشيعة؛ تصحیح و تعليقات: محمد صادق آل بحرالعلوم؛ نجف، المکتبه المرتضویه، ۱۹۳۹.

یاقوت الحموی، شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی؛ معجم البلدان؛ تحقیق: فرید عبدالعزیز الجنیدی؛ بیروت، دار الكتب العلمیه، بی تا.

الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح؛ تاریخ الیعقوبی؛ تحقیق: عبدالامیر مهنا؛ بیروت، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی